

سرمایه اجتماعی و باورهای دینی و فرهنگی

محمد رضا شاد منامن^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۵/۰۴

چکیده

بعد از تعاریف نظری سرمایه اجتماعی بوسیله بعضی از دانشمندان و صاحب نظران به این نکته تأکید شده است که نه تنها مفاهیم سرمایه اجتماعی در مکتب اسلام ساری و جاری بوده است بلکه به معنای واقعی کلمه عوامل مؤلفه آن از قبیل سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی اقتصادی، گروه‌گرایی، اعتماد، همبستگی و . . . چیزهایی نیست که مکتب اسلام به آنها توصیه نکرده باشد.

در این راستا با استناد به منابع اسلامی و مأخذ دیگر به این نتیجه رسیده‌ایم که ضمن استفاده بهینه از راهکارهای اصولی و تجارب اندیشمندان دیگر اگر به احکام اسلامی به دقت عمل شود، هم به تولید و هم حفظ سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود و از انقلاب اسلامی ایران به عنوان نمونه بارزی از سرمایه عظیم اجتماعی یاد شده است که با استفاده از آموزه‌های اصیل مکتب اسلام همه‌ی آنچه را که بعنوان اجزا و عوامل مثبت سرمایه اجتماعی از آنها یاد می‌شود، با حفظ ارزش‌های والای انسانی بکار می‌گیرد .

پس با احترام به همه واضعان و اندیشمندان نظریه‌ی سرمایه اجتماعی با استفاده از مفاهیم علمی آنها نباید از آنچه خود داشته‌ایم غافل باشیم، چون هر وارداتی بدنبال خود فرهنگی را می‌آورد که اگر بومی نشود و با فرهنگ جامعه تطبیق نیابد مشکلاتی را بیار خواهد آورد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، مکتب اسلام، انقلاب اسلامی، احکام اسلامی

^۱ - استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، ایران Email: M.shad@aukh.ic.ir

مقدمه

با این که بعضی از علمای جامعه‌شناسی به نقش دین در سرمایه‌ی اجتماعی اذعان کرده‌اند اما در عین حال به زعم خود نقدهای را نیز بر آن وارد دانسته‌اند! به عنوان مثال فرانسویس فوکویاما می‌نویسد: «شواهدی وجود ندارد که حاکی از سست شدن احساس دین در جاهای دیگر به ویژه در ایالات متحده آمریکا باشد. تغییرات فرهنگی که الهامات دینی آن‌ها را سبب می‌شود همچنان گزینه‌ای زنده در بسیاری از بخش‌های جهان است.» (فوکویاما، ترجمه خاکباز و دیگری ص ۱۹۶-۱۹۲).

اما فوکویاما در نقد خود از راه صواب خارج می‌شود که می‌نویسد: «همه اشکال دین از نظر گاه سرمایه اجتماعی مثبت نیست. فرقه‌گرایی، عدم رواداری، نفرت و خشونت را در دامن خود می‌پروراند.» (فوکویاما، ۹۶-۱۹۲) فوکویاما باید توجه می‌کرد آنچه که باعث فرقه‌گرایی و خشونت می‌شود خود دین نیست بلکه برداشت‌های قشری و سطحی از دین است.

اتهاماتی که به نام نفرت و خشونت و دیگر چیزها به دین می‌پیوندد حاصل زیاده‌طلبی بعضی از مدعیان قدرت جهانی است که جهان اسلام را به تشنج و خشونت کشیده‌اند سرمایه‌ها و سرمایه اجتماعی آن‌ها را به باد غارت می‌دهند اما تهاجم و غارت خود را دموکراسی، می‌نامند و دفاع و مقاومت مسلمانان، از هویت و کشور خود را تروریسم نام نهاده‌اند. سعی ما در تأکید بر این نکته است که مکتب اسلام به عنوان یک دین زنده و پویا نه تنها مانع رشد سرمایه اجتماعی نیست بلکه قوام مولفه‌های آن که همان اعتماد، وحدت، و عدالت اجتماعی و رعایت مصالح و منافع اجتماعی، ایجاد سرمایه، و حفظ آن، و فقط آن با کسب و کار، ایجاد آرامش و امنیت و بالابردن سطح دانائی، آگاهی و اخلاق جامعه است سفارش تأکید دارد بعضی از روشنفکران جهان به ویژه تئوریسین‌های غربی دین‌پیرایی را از علل سهولت به اصطلاح بازار پویای خود می‌دانند.

استونز^۱ می‌نویسد: «یکی از عوامل تسهیل‌کننده و پشتیبان اقتصادی پویا و بازارگرا، که نوعاً در غرب غرب دیده می‌شود در جنبش دین‌پیرایی و نظام اعتقادی ضد سنتی است.» (استونز، ۱۳۷۹؛ ۶۰)

مطالعه مقایسه‌ای «وبر^۲» درباره‌ی ادیان ... به این منظور انجام شد تا نشان دهد که چرا و چگونه شرایط لازم برای بروز و ظهور طبیعی سرمایه‌داری مدرن در محیط‌های متفاوت از محیط فرهنگ غرب وجود نداشته است. در این ادیان ترکیبی از تصوّف و ریاضت که جهان دیگر، بهشت یا نیروانا در کانون توجّه آن قرارداشت به پیامدهای متفاوتی که در تمدّن آنان بروز کرده، مربوط است (همان؛ ۶۱).

در حقیقت وبر به دنبال اثبات این نکته است که بعضی از ادیان مانع رونق سرمایه‌داری در جوامع خود می‌باشد یعنی دین با اقتصاد و سرمایه‌داری نسبت عکس دارد، و برای نظریه‌ی خودش اعتقاد به جهان دیگر و تصوّف و ریاضت را مثال می‌زند یعنی چون پیروان ادیان به دنیای دیگر اعتقاد دارند در نتیجه به سرمایه‌داری اقتصاد اهمیتی داده نمی‌شود. این باور در مورد دین اسلام ساده لوحانه است چون ادیان الهی به ویژه، اسلام منافاتی با رشد سرمایه‌داری و سرمایه‌اجتماعی ندارند اما اگر ماکس وبر و همکاران او به نتیجه دین‌پیرایی در جوامع غربی بيفکنند متوجّه خواهند شد چه فجایی که اتفاق نمی‌افتد. «در سراسر کشورهای مرفّه فریاد عجز و لابه‌های آشنا به گوش می‌رسد. میزان خودکشی جوانان رو به افزایش گذاشته است. الکلیسم بیداد می‌کند، افسردگی روانی همه‌گیر شده است. بربریت و جنایت مد روز شده است. در ایالت متحده اتاق‌های اورژانس بیمارستان‌ها مملوّ است از معتادان به «ماری‌جوانا» «دیوانه‌های سرعت» و «دسته‌های ارادل و اوباش» «معتادان به کوکائین» و «هروئین» و بالاخره افرادی که گرفتار بحران شدید عصبی شده‌اند یک مؤسسه ملی بهداشت روانی، ادعا می‌کند که تقریباً هیچ خانواده‌ای بدون هنجاری روانی وجود ندارد و اعلام می‌کند که: روان‌پریشی جامعه آمریکا را که آشفته و پریشان و نگران آینده فرا گرفته است. (تافلر^۳، ۱۹۸۰، ۵۰۳-۵۰۴).

^۱. Stonz.Rub

^۲.Man.veber

^۳.Alvin Toffler

تعریف سرمایه اجتماعی

متفکران جامعه شناسی و علمای اقتصاد، هر کدام به نحوی سرمایه‌ی اجتماعی را تعریف کرده‌اند که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌گردد. «لیدا، جی، هانی فان»^۱ (۱۹۱۶) سرمایه‌ی اجتماعی را در توضیح و تقویت حاصل کار یک مجموعه از قبیل مدرسه می‌داند. بعد از «هانی فان»، گروهی از جامعه شناسان کانادایی (سیلی^۲، سیم^۳، ولوزلی^۴، ۱۹۵۶) همان اصطلاح عام سرمایه‌ی اجتماعی را به کار گرفتند تا حیاتی بودن و اهمیت پیوندهای اجتماعی را در آن خلاصه کنند (ولکاک^۵، و دیگری ۱۹۸۸، ۲۰۸-۱۵۱)

«فوکویاما»^۶ (۱۹۹۵) سرمایه‌ی اجتماعی را شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی می‌داند که باعث همکاری بین دو یا چند گروه می‌شود (فوکویاما ترجمه‌ی خاکباز و دیگری ص ۱۷۰). «هومانس»^۷ (۱۹۶۱) و یک استاد مسائل شهری «جاکوبز»^۸ (۱۹۶۱) به پیوندهای اجتماعی در آن معتقد بودند بودند (ولکاک، همان) «جیمز کلمن»^۹ (۱۹۶۶) آنرا در شدت و ضعف مشارکت در گروه و هم چنین بین اعضای

می‌داند (فوکویاما، همان) و در تعریف دو عنصر سرمایه اجتماعی می‌نویسد:

۱- همه‌ی آن‌ها مشتمل بر جنبه‌ای از ساختارهای اجتماعی‌اند. ۲- برخی از کنش‌کنندگان را اعم از اشخاص حقیقی یا عواملان حقوقی در چارچوب ساختار آن تسهیل می‌کند (پورتس^{۱۰}، ۱۹۹۶، ۲۲-۱۸)

^۱ - Lyda .J.Hanifan
^۲ - Seely
^۳ - Sim
^۴ - Loosely
^۵ - Wolcock
^۶ - Fukuyama Francis
^۷ - Homans
^۸ - Jacobs
^۹ - Colemanls
^{۱۰} - Alejandr. Portes

«گلن لوری^۱» اقتصاددان (۱۹۷۷) از سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان مجموع منابع ارتباط درون خانوادگی و درون سازمانی یاد می‌کند (پورتس ۱۹۹۶، ۲۱۵)

«شیف^۲»، (۱۹۹۲) سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از عناصر ساختار اجتماعی می‌داند که بر روابط روابط مردم اثر می‌گذارد. «رابرت پاتنام^۳» (۱۹۹۵) ویژگی سازمان اجتماعی را از قبیل هنجارها و اعتماد اجتماعی، که هماهنگی و همکاری برای سود متقابل را تسهیل می‌کند برمی‌شمارد (کریشنا^۴، ۲۰۰۱، ۴۸۰، ۴۸۰، ترجمه، همان)

«پی یر بوردیو^۵» (۱۹۹۵) آن را جمع منابع بالقوه‌ای می‌داند که محصول شبکه بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده، آشنایی و شناخت متقابل و یا به بیان دیگر عضویت در گروه است (بوردیو، ۱۹۸۲، ۱۴۷، همان ترجمه)

«سمسون^۶» (۱۹۹۷) سرمایه اجتماعی را در اعتماد متقابل و تمایل به دخالت غیر عمومی می‌داند . : کریشنا (۱۹۹۹) آن را در جنبه‌های شناختی می‌داند که افراد را به سوی اقدامات جمعی که دارای سود همگانی است سوق می‌دهد .

آیا سرمایه اجتماعی زائیده فکر غربی است؟

با اینکه اکثر نویسندگان علوم اجتماعی معاصر معتقدند که سرمایه اجتماعی زائیده فکر اندیشمندان غربی است، اما با تحقیق در معارف دینی خود به این نکته مهم پی خواهیم برد که ارکان سرمایه اجتماعی در متون دینی ما بوده و حداقل بعضی از ما به آن موارد توجهی نکرده‌ایم.

^۱ - Gelen lory

^۲ - M.Schiff

^۳ - Putnam .Robert

^۴ - Krishna.Anirudh

^۵ - Burdieu.pierre

^۶ .Samson

«أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَ مِنْ أُخِيهِ وَثِقَهُ دِينَ وَ سَدَادَ طَرِيقٍ فَلَا يَسْمَعَنَّ فِيهِ أَقَاوِيلَ الرِّجَالِ أَمَا إِنَّهُ قَدْ يَرْمِي الرَّامِيَّ وَ تُخْطِئُ السَّهَامُ وَ يُحِيكُ الكَلَامُ وَ بَاطِلٌ ذَلِكُ يَبُورُ وَ اللهُ سَمِيعٌ وَ شَهِيدٌ أَمَا أَنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الحَقِّ وَ البَاطِلِ إِلَّا ارْتِعَ أُصَابِعٌ.» (نهج البلاغه ، خطبه‌ی ۱۴۱، ص ۲۶۰، ترجمه دشتی)

ای مردم آن کس که از برادرش اطمینان و استقامت در دین و درستی راه و رسم را سراغ دارد باید به گفته‌ی مردم درباره‌ی او گوش ندهد.

آگاه باشید، گاهی تیرانداز تیر افکند و تیرها به خطا می‌رود، سخن نیز چنین است درباره کسی چیزی می‌گویند که واقعیت ندارد و گفتار باطل تباه‌شدنی است، و خدا شنوا و گواه است بدانید که میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست. (پرسیدند معنای آن چیست امام (ع) انگشتان خود در میان چشم و گوش گذاشت و فرمود: «الباطلُ أن تقولَ سمعتُ، الحقُّ أن تقولَ رأيتُ» باطل آن است که بگویی شنیدم، و حق آن است که بگویی دیدم .

گاهی ما از بومی کردن مسائل هراس داریم و توهم اینکه ما را به بازگشت متهم سازند سعی داریم به هر نحوی است طریقی دیگری را انتخاب کنیم در حالی که خود نویسندگان و محققان غربی نه تنها از این کار ابائی ندارند بلکه آن را نوعی تحقیق و دقت در امانت محسوب می‌دارند.

به اذعان اکثر متفکرین نظریه پرداز، سرمایه اجتماعی، با متغیرهای شناخته شده‌ی جامعه‌شناختی همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی، درباره‌ی دیگران، مسائل عمومی، انسجام، همبستگی، همکاری و ارتباط دارد.

آیا واقعاً این مسائل در متون دینی ما نیامده است؟ آنجا که امام‌المؤمنین (ع) می‌فرماید :

«فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالاً فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَ لِيُحْسِنُ مِنْهُ الضِّيَافَةَ وَ لِيُفِكَ بِهَ الْأَسِيرَ وَ الْعَانِيَّ وَ لِيُعْطِيَ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَ الْعَارِمَ وَ لِيَصْبِرَ عَلَى الْحُقُوقِ وَ النَّوَائِبِ ابْتِغَاءَ الثَّوَابِ فَإِنَّ فَوْزاً بِهَذِهِ الْخِصَالِ شَرَفٌ مُكَارِمِ الدُّنْيَا وَ دَرَكٌ فَضَائِلِ الْآخِرَةِ». (دشتی، نهج البلاغه ، خطبه‌ی ۱۴۲)

آنکس که خدا او را مالی بخشید پس باید به خویشاوندان خود بخشش نماید و سفره مهمانی بگستراند و اسیر آزاد کند و رنج‌دیده را بنوازد و مستمند را بهره‌مند کند و قرض وامدار را بپردازد برای درک ثواب الهی، در برابر پرداخت حقوق دیگران و مشکلاتی که در این راه به او می‌رسد شکیبا باشد، زیرا به دست آوردن صفات یاد شده موجب شرافت و بزرگی دنیا و درک فضائل سرای آخرت است.

حضرت در این خطبه رسیدگی به امور دیگران و تعاون و بخشش و نگرانی درباره مردم و حل مشکل آنها را توصیه فرموده است

«پی‌یربور دیو» ، در تقسیم بندی سرمایه می نویسد:

- ۱- سرمایه اقتصادی که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است.
 - ۲- سرمایه فرهنگی که با بعضی شرایط قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد.
 - ۳- سرمایه اجتماعی که شناخته شده از تکالیف و تعهدات (پیوندها و ارتباطات) انسانی است.
- سرمایه اجتماعی می‌تواند به سه شکل وجود داشته باشد:

- ۱- در حالت متجسّد یعنی به شکل دیرپای فکری.
- ۲- در حالت عینیت یافتگی به شکل کالای فرهنگی (تصاویر، کتاب، لغت).
- ۳- در حالت نهادینه شده شکل از حالت عینیت. (بور دیو ، ۱۹۸۵ ، ۲۴۱-۵۸)

مکتب اسلام از همه مکاتب دیگر غنی‌تر و کاملتر است حالت متجسّان، یک حالت دیرپای عقیدتی و ایدئولوژی است که برای همه‌ی نیازهای انسانی از نظر روحی و مادی راهکار نشان داده است.

حالت دوّم یعنی حالت عینیت یافتگی آن حرف اول و آخر را در جهان و آخرت می‌زند. اسلام معجزه‌اش کتاب بی‌بدیل آسمانی یعنی قرآن است که منشور اخلاقی و قانون زندگی بشریت است .

حالت نهادینه شدن؛ هیچ فرهنگی به اندازه‌ی فرهنگ قرآنی نتوانسته است نهادینه شود و منطق انتقال داشته باشد. از اعراب بیابانگرد و چادرنشین انسان‌های شریف و بزرگ می‌سازد که همه پادشاهان در مقابل منطق قوی و حجت فرهنگی‌شان سر تسلیم فرود می‌آورند و اگر هم از سر جهالت و تکبر در مقابل آن عناد می‌ورزند کار بجائی نمی‌برند .

تئوری‌های سرمایه اجتماعی عبارت است از:

۱- تئوری پیوندهای ضعیف

۲- تئوری شکاف ساختاری

۳- تئوری منابع اجتماعی.

اولین تئوری برای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی تئوری پیوندهای ضعیف است مطابق این تئوری هرچه شدت استحکام روابط میان اعضای یک شبکه بیشتر باشد ارزش سرمایه اجتماعی کمتر می‌شود و بالعکس.

گرانووتر^۱ (۱۹۷۳) واضح این تئوری معتقد است که روابط منسجم میان اعضای یک گروه منجر به روابط ضعیف با اعضای گروه خارجی شده و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. (الوانی و دیگری ، ص ۳۳-۳۲) .

^۱ - Granovetter

تئوری پیوندهای ضعیف با اجرای عدالت قابل حل است.

حضرت امام علی (ع) می‌فرماید: «أَيُّمَا أَفْضَلَ: الْعَدْلُ، أَوْ الْجُودُ؟ فَقَالَ (ع): الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا...» (نهج البلاغه، حکم ۴۲۹، ترجمه و شرح بقلم فیض الاسلام). که عدالت از بخشش بهتر است و در راستا و دنباله این کلام اعتقاد دارند که عدل قرار دادن هر چیزی در جایگاه خودش است (یعنی جایی که شایسته‌ی آن است) اما بخشش خارج کردن امور از روال عادی آن می‌باشد که در این حال ممکن است بخشش نصیب عده‌ای نشود در نتیجه از حق خود نیز به خاطر بیشتر رسیدن به دیگران محروم می‌مانند.

در تئوری شکاف ساختاری که توسط بُرت^۱ بکار برده شده است تأکید بر رابطه‌ی میان فرد و همکاران وی در شبکه و همین روابط میان همکاران با همدیگر است. (الوانی و دیگری، همان)

این تئوری همان اخلاق سیاسی و اجتماعی است که در متون دینی ما مؤکداً به آن سفارش شده است.

حضرت مولای متقیان امام علی (ع) در نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر می‌فرماید که :

«فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ أَسْ بَيْنَهُمْ فِي اللَّخْظَةِ وَ اللَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَ لَا يَبْأَسَ الضُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ (تعالی) يُسَائِلُكُمْ مَعْشَرَ عِبَادِهِ عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمَسْتُورَةِ...» (نهج البلاغه، نامه ۲۷، ص ۵۰۸، ترجمه دشتی)

با مردم فروتن باش نرم خو و مهربان باش گشاده‌رو و خندان باش در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند زیرا خداوند از شما بندگان درباره‌ی اعمال کوچک و بزرگ و آشکار و پنهان خواهد پرسید.

^۱ - Burt

۳- تئوری منابع اجتماعی: این تئوری که ریشه‌های آن به مطالعات لین^۱ و کاتور^۲ در سال ۱۹۸۱ می‌رسد پیوندهای موجود در شبکه را بدون وجود منابع آن کارآمد نمی‌داند این منابع تنها در صورتی سرمایه محسوب خواهد شد که فرد نیاز به آن منابع داشته باشد. اصطلاح سرمایه اجتماعی به رغم شهرت آن نکات برجسته جامعه‌شناسانه‌ای ندارد و پیشینه‌اش به تأکید دورکیم بر حیات گروهی به عنوان پادزهری برای بی‌هنجاری هویت باختگی و نیز تمایزی که مارکس به عنوان طبقات قائل است باز می‌گردد. (الوانی و دیگری ، همان)

امام طیّ منشور نامه‌ای در نهج البلاغه می‌فرماید :

«أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ» چون خطاب نامه به مالک اشتر است : ای مالک بدان : مردم از گروههای گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست «... و لكلّ على الوالى حقّ بقدر ما يصلحُهُ» و هم آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر زمامدار حقّ مشخص دارند.

و لَيْسَ يَخْرُجُ الْوَالِي مِنْ حَقِّقِهِ مَا أَلْزَمَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِالْإِهْتِمَامِ وَالْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ (نهج البلاغه ، نامه
(۵۳)

و زمامدار آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موفق باشد جز آن که تلاش فراوان نماید و از خدا یاری بطلبد.

آنچه از تعاریف متعدّد مفهوم سرمایه اجتماعی بر می‌آید چیزی نیست که ما در متن جامعه اسلامی با آن سروکار نداشته باشیم ممکن است در تئوریهای جدید در بعضی موارد نوع‌آوری و ابداعاتی هم باشد که منکرش نیستیم ولی اعتقاد به اینکه سرمایه اجتماعی بطور مطلق ساخته و پرداخته دانشمندان غربی است، این نمی‌تواند درست باشد.

^۱ - Lininan

^۲ - Katour

مکتب اسلام از گروهی بیابان گرد و چادرنشین که بخاطر کوچکترین مسأله‌ای کارشان به جنگ و دعوا می‌کشید انسان‌های منسجم متعاون می‌سازد، آنها را به گروه‌های متحد جذب می‌کند و در درون جامعه‌ی آنها آنچنان اعتماد و همبستگی ایجاد می‌کند، دوست و دشمن به واقعیت و حقیقت آن اذعان می‌کنند.

قبل از اسلام اعراب یا مسلمانان اگر مال و اموالی یا ثروتی نیز داشتند بطور پراکنده و جدا از هم از آن استفاده می‌کردند و کارهای گروهی بسیار کمتر دیده می‌شد اما با آمدن اسلام کارها گروهی شد و سرمایه‌ها بر روی هم قرار گرفت، به نحوی که همه جهان اسلام از آن بهره‌مند گردید.

امور بیت‌المال مسلمانان مظهر حساب کتاب گروهی است که هر یک از مسلمانان در آن حقی داشتند، هیچکس حتی امام مسلمین بخود اجازه نمی‌داد بیش از دیگران و بیشتر از حق خود از آن استفاده کند.

بحث اعتماد و اینکه چگونه آن را در بین اقشار گروه ایجاد کنند. بخاطر تعالیم مکتب اسلام در عمق وجود مسلمانان ریشه دوانید، «خمس» و «زکات» برای سروسامان دادن به امور جامعه جزو فروع دین احکام اسلامی قرار گرفت.

«نماز»: بعنوان ممتازترین شاخصه اسلام جزو شعائر اسلام گردید که در هر شبانه‌روز علاوه بر نماز مستحبی و نمازهای دیگر در هفده رکعت نماز واجب ۱۰ بار سوره فاتحه الکتاب خوانده می‌شود که در استعانت از حضرت حق نظر به گروه و اجتماع دارد («إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ») یعنی فقط ترا عبادت می‌کنیم و فقط از تو یاری می‌خواهیم. نمی‌فرماید ایّاک «أَعْبُدُ» یعنی فقط تو را می‌پرستیم و ایّاک «أَسْتَعِينُ» فقط از تو یاری می‌خواهیم. و فلسفه‌های متعالی دیگر نماز که خود عالمی مفصل دارد.

«روزه»: جهت آشنایی با درد مردم فقیر که مبادا مردم از سیری و توانمندی از گرسنگی دیگران بی‌خبر باشند. در کنار سایر حکمت‌ها یعنی احساس همدردی و همبستگی با مردم، و هم چنین جهت تهذیب نفس که از عوامل مهم تقوی است.

«حج»: که نمایش عبادت گروهی و وحدت و انسجام امت اسلامی است. همه با هم در یک لباس و همصدا لبیک می‌گویند: مشعر و منا و عرفات و مکان‌های دیگر در مکه و مدینه که هر یک از آنها نمادی برای عبادت دسته‌جمعی است. در هیچ یک از مکاتب دیگر اتحاد در عبادت نتوانسته است به پای مکتب اسلام برسد. آیا در شاخصه‌های سرمایه اجتماعی مورد نظر دانشمندان می‌توان بالاتر از این اتحاد و اتفاق پیدا کرد.

درباره «جهاد» که حضرت مولی‌الموحدين می‌فرماید: «وَأَدِلُّ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ» یعنی (انسان) بخاطر ترک جهاد به خواری محکوم و از عدالت محروم است. (دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

پس جهادگران خود مروّجان عدالتند که یکی از عوامل سرمایه اجتماعی است برای اینکه با حمله دشمن، در واقع سرمایه اجتماعی مردم مورد حمله قرار می‌گیرد. حضرت می‌فرماید: «يُغَارُ عَلَيْكُمْ وَلَا تُغَيِّرُونَ وَلَا تُغَزُونَ وَ لَا تُغَزُونَ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷). بر شما حمله می‌کنند شما حمله نمی‌کنید با شما می‌جنگند شما نمی‌جنگید. افتراق را در عراق و در افغانستان می‌بینیم اما کشور عزیز ما ایران با اینکه سردمداران امپریالیسم و صهیونیست حداقل با قشون گرفتن از ۵۰ کشور بوسیله صدام بر ما حمله ور شدند از ۵۲ کشور در جنگ تحمیلی اسیر داشتیم باز نتوانستند کاری انجام بدهند ما استوار ماندیم و از حیثیت خود دفاع کردیم و احکام دیگر اسلامی که هر کدام از آنها از اهمیتی خاصی برخوردارند، از قبیل «امر به معروف» و «نهی از منکر»، آن‌های که ادعای سردمداری جهان را دارند خود ترک معروف و امر به منکر می‌کنند. با حمله و تجاوز به کشورهای دیگر و تضییع حقوق آنها همه‌ی سرمایه‌های آنها را به باد می‌دهند اما باز از اعتماد و همبستگی و تحمل و وجدان حرف می‌زنند، بنام حقوق بشر نفی حقوق دیگران می‌کنند، سرمایه اجتماعی در نظر آنها یعنی منحصراً حفظ منافع خود و همپالگی‌هایشان به هر قیمتی که می‌خواهد تمام شود دقیقاً فرق مکتب اسلام با این مدعیان لیبرالیسم در این است که برای ما هدف وسیله را توجیه نمی‌کند برای نفع خود و اثبات سرمایه به هر چیزی که بخواهیم دست بزنیم ولی کاپیتالیسم سرمایه‌داری و کمونیسم و مارکسیسم به قول استاد شهید دو روی یک قیچی‌اند که هر کدام به نحوی می‌برند.

نظر اسلام به سرمایه اجتماعی و حفظ آن با توجه به همه‌ی ارزش‌های انسانی که همان ارزش‌های اسلامی است می‌باشد. در اعتقاد راستین و اصول مکتب خود یعنی توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت نیز که مروج اخلاق و ارزش‌های والای انسانی‌اند و بدون شک اگر این اصول رعایت شود همه ارکان سرمایه اجتماعی نیز خود بخود محفوظ داشته خواهد شد.

در مکتب «توحیدی» اعتقاد به خدا یعنی همه انسان‌ها فقط در مقابل خدا عبادت می‌کنند غیر خدایان همگی در نظر انسان توحیدی کوچکند، مگر اینکه تقوی داشته باشند انسان‌های باتقوی نیز مسلماً حق و حقوق دیگران را مراعات خواهند کرد.

در اعتقاد به «نبوت»: ما معتقدیم والاترین و بالاترین ارزش‌های انسانی در وجود یک انسانی خاکی با انتخاب خداوند متعال به ودیعه گذاشته شده است او نماد پاکی و راستی و صداقت است او با وحی و دستور خداوند همه انسانهای پریشان و گم کرده راه را جمع کرده میان آنها وحدت آفرید و آنها را به کسب و کار حلال دعوت کرد رونق کسب و کار و عدالت زندگی حلال را در بین آنها ایجاد کرد.

آن‌های که قبل از اسلام با جمع کردن سرمایه خود حق دیگران را تضییع می‌کردند چون با آمدن اسلام توازن و تعادلی منطقی به ایجاد سرمایه اعطا گردید به نحوی که هیچکس حق پایمال کردن حقوق دیگران را نداشت و در باور مستکبران و مترفان هرگز نمی‌گنجید که کسی در سیمای پیامبر «ص» قیام کند و همه مستضعفین را گردهم آورد و با تشکّل قوی در بین آنها اعتماد و همبستگی که همان ایمان و اعتقاد راسخ است نهاده‌ی کند و اهداف مکتبش را به همه جهان توسعه دهد و جهانیان بعد از چهارده قرن احساس کنند برای رهائی از منجلاب، بدبختی و اضطراب و از هم پاشیدگی خانواده‌ها چاره‌ای جز بکار بستن فرامین الهی ندارند و الا این زندگی با همه پیشرفت کذائیش اگر اصول اخلاقی در آن مراعات نشود بشریت را به سوی ورطه سقوط می‌کشاند.

اعتقاد به «معاد» به عنوان یکی از ارکان اصول دین در سالم‌سازی اجتماع و ترویج معنویت، اهمیتی خاصی در بین مسلمانان دارد. هرگونه دغل‌کاری و انحراف از راه حق را باید جواب‌گو بود. عالمان و واضعان سرمایه اجتماعی در قرن اخیر به این فکرند که گاهی یک عده پیدا می‌شوند که وظایف و تعهدات خود را در گروه مراعات نمی‌کنند و این کار با افزایش بازرسین هم گاهی طرفی نمی‌بندد، پس چه باید کرد. آری ما معتقدیم اگر بتوانیم از دوران کودکی و نوجوانی افراد جامعه را طوری تربیت کنیم که آنها بدانند در مقابل کاری که انجام می‌دهند مسؤول هستند، حتی اگر فردی هم شاهد کارهای خلاف آنها نباشد به هر حال در روز قیامت باید پاسخگوی اعمال خود باشند. پس مراعات می‌کنند به عنوان مثال ما اگر دو گروه از افراد جامعه را از نظر میزان تعهدشان به گروه و حفظ سرمایه اجتماعی بسنجیم این موضوع به خوبی روشن خواهد شد گروه اول شامل افراد متدین و متعهد گروه دوم افراد غیر متدین و بدون احساس تعهد، و بدون اطلاع آنها وظایفی را به آنها محول می‌کنیم که از جمله‌ی آن، حفظ سرمایه‌ها و امانت گروهی باشد، بدون شک احتمال خطا در گروه اول نسبت به گروه دوم بسیار کم خواهد بود.

در بحث «امامت» نیز امام کسی است که از نظر عدالت و ایمان تقوی بعد از انبیاء(ص) سرآمد همه مردم، و بقول مولوی (ترازوی احد خو) بوده و دستور و فرمانش عین عدالت و محبت و منشور زندگی باشد. در بحث «ولایت فقیه» که ما معتقدیم در غیبت کبری امام عصر (ع) بعد از آن بزرگوار فقیه جامع‌الشرايط است که با هدایت الهی و اندیشمندانه خودش پیروان مکتب اسلام را به سرمنزل مقصود برساند.

یکی دیگر از ارکان اصول اعتقاد ما مسلمانان به ویژه شیعیان عدل می‌باشد. عدالت به تعاملات و روابط اجتماعی هنجار می‌بخشد جامعه در هم ریخته جامعه بی‌عدالت جامعه الیگارش‌ی است عدل یکی از اصول انکارناپذیر حفظ سرمایه اجتماعی برای اعضای هر گروه و مجموعه‌ای است اگرچه ممکن است در تعابیری دیگری نیز آمده باشد.

«مفهوم عدالت اجتماعی در اصل معنای منصفانه بودن طرز رفتار یک جامعه با اعضای خود بوده است. هیچکس با چنین تعبیری از عدالت اجتماعی سر نزاع ندارد، با این وصف همین که پای تعریف دقیق و روشن

لفظ «منصفانه» به میان می آید مشکلات آغاز می گردد آیا جامعه باید پاداش اعضای خود را به نسبت مشارکت آنان در تأمین نیازمندی‌های عمومی تعیین نماید یا بر حسب قابلیت هر یک از افراد؟» [و مسائلی از این قبیل] (نولان و دیگری، ۱۳۸۰، ۵۵۹).

در اهمیت عدل همین بس، وقتی که از حضرت امام الموحیدین علی (ع) درباره عدل و بخشش می‌پرسند که آیا عدل برتر است یا بخشش؟ می‌فرمایند: «العدل افضل من الجود»، عدل برتر از بخشش است و اضافه می‌فرمایند چون عدل هر چیزی را در جای خودش قرار می‌دهد ولی بخشش آن را از مجرای حقیقی خودش خارج می‌سازد.

عدل چه بود؟ وضع اندر موضعش ظلم چه بود؟ وضع در ناموضعش

(مولوی مثنوی، ۲۵۹۶/۶)

موضع شه رخ نهی ویرانی ست موضع شه اسب هم نادانی ست

(۲۵۹۴/۶)

با بررسی عوامل سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی در می‌یابیم این مفاهیم چقدر استادانه در این انقلاب بکار گرفته شده‌اند:

۱- گروه، «از نظر جامعه‌شناسان، گروه عبارت است از جمعی از مردم که (۱) برای رفع نیازهای مشترک یا مکمل، با یکدیگر شریک مساعی داشته باشند؛ (۲) موازین مشترکی را بپذیرند؛ و (۳) از نوعی احساس هویت مشترک برخوردار باشند.» (نولان و دیگری، ۱۳۸۰؛ ۸۱)

مفهوم گروه در انقلاب اسلامی را از مکتب اسلام گرفته شده است نه از تئوریسین‌های غرب و شرق آن‌هایی که به شاخصه‌های سرمایه اجتماعی، اعتقاد کامل دارند می‌توانند تبلور عینی آن‌ها را در انقلاب اسلامی

ببینند. به عنوان نمونه یکی از شاخصه های سرمایه‌ی اجتماعی توجّه به ارتباط گروهی و تعاون و همبستگی بین آن است .

قبل از انقلاب مبارزین هر کدام به نحوی به طور پراکنده به مبارزه با طاغوت می‌پرداختند اما رهبر بزرگ انقلاب مردم را سازماندهی و جهت داد. آنها را به دور هم گرد آورد، انسجام داد، وحدت بخشید، از آن گروه‌های پراکنده مجموعه منسجمی را ساخت که دنیای استکبار با تمامی توانش نتوانست در مقابل آن‌ها مقاومت کند.

۲- اعتماد: اعتماد یعنی باور قلبی به رفتار و گفتار کسی دیگر «بی‌اعتمادی و بدگمانی را که آدمیان در همه جا در مقابل رقیبان مخالف خویش، در تمام تکامل تاریخی ابراز می‌کنند می‌توان پیش درآمد مستقیم مفهوم ایدئولوژی دانست.» (مانهایم، ۱۳۸۰، ۱۰۵).

بنیانگذار جمهوری اسلامی چون خود پاک بود، کلامش چو باران پاک بر دل و روح تشنه انقلابیون و مردم فهیم ایران اسلامی نشست، در جریان انقلاب اعتماد بین اقشار انقلابی آن چنان بالا بود عده‌ای حاضر بودند جانشان را که عزیزترین هستی زندگی‌شان بود بدهند ولی مبارزین هم رزم خود را لو ندهند.

۳- همبستگی : انصافاً مردم در انقلاب این کلام وحی را که فرموده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» (سوره‌ی آل عمران، آیه ۱۰۳) از زبان رهبرشان شنیدند و بکار بستند.

۴- حفظ سرمایه اجتماعی: یک عده معتقد بودند باید ارتش منحل شود ولی حضرت امام(ره) از آنها بعنوان سرمایه معنوی و اجتماعی این مملکت یاد کردند و مسائلی دیگر از این قبیل فراوان است.

۵- حفظ سرمایه و ثروت عمومی: رهبر انقلاب به مردم مؤکداً دستور دادند از دست زدن به غارت پرهیزند و از اموال عمومی و ثروت کشور محافظت نمایند.

۶ - پیشرفت توسعه: اگر آنچه که حالا داریم با آنچه قبل از انقلاب داشتیم مقایسه کنیم بخوبی روشن می شود انقلاب اسلامی چقدر در توسعه اجتماعی، اقتصادی تأثیر داشته است.

۷- ایجاد شبکه‌های مردمی، علمی، اجتماعی و . . . : بعد از انقلاب مردم با ایجاد کمیته‌ها و تشکّل‌ها و شبکه‌های اجتماعی و علمی دیگر توانست اهداف انقلاب را به خوبی پیش ببرد، نمونه آن سپاه پاسداران، بسیج مردمی و شبکه‌های علمی دیگر.

۸ - ایجاد دموکراسی: دموکراسی در ایران اسلامی از نوع واقعی آن نه غربی آن بوجود آمد از همان ابتدا خود جمهوری اسلامی را به رأی گذاشتند بعد از آن هم انتخابات خبرگان، مجلس، ریاست جمهوری و شوراها همه با رأی مردم صورت می گیرد .

۹- حفظ منافع گروهی و اجتماعی: این انقلاب بر سر منافع مردم با کسی معامله‌ای ندارد، هر چند سوداگران پرترفند و مکار باشند.

۱۰- ایجاد رفاه اجتماعی : انقلاب اسلامی برای مردم و جوانان کار ایجاد کرده است، با اینکه در جریان تحریم‌ها مشکلاتی برای کشور ایجاد شد، اما دولت اسلامی در ایجاد شغل برای گروه مولّد و جوان جامعه سعی و تلاش فراوانی می کند .

۱۱- خصوصی سازی: عالمان سرمایه اجتماعی معتقدند بار دولت باید کوچک باشد برای پیشرفت در یک مجموعه موفق دولتی خصوصی سازی انجام گیرد. این امر در ایران اسلامی هم بخوبی اجرا می شود اما با توجه به اینکه اموال و کارخانجات شرکت‌ها که به مزایده گذاشته می شوند اموال عمومی هستند باید نهایت دقت در واگذاری آنها انجام گیرد در غیر اینصورت فاصله طبقاتی را زیادتیر خواهد کرد.

۱۲- بالاتر و مهمتر از همه اینها استقلال اجتماعی و دستاورد آزادی است که هر دو اینها از عوامل مهم سرمایه اجتماعی هستند. در کشوری که آزادی و استقلال نیست امنیتی وجود ندارد در جایی که امنیت شغلی و فکری وجود ندارد سرمایه‌گذاری و یا سرمایه اجتماعی هر آن در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

۱۳- نفوذ اثربخشی. (دکتر الوانی و دیگری، ۱۳۸۲؛ ۲۶) در فواید سرمایه اجتماعی بر افراد و سازمان‌ها : با تطبیق انقلاب اسلامی بعنوان یک سرمایه بزرگ اجتماعی کم نظیر می‌توان به نفوذ اثربخشی آن نیز اشاره کرد، اول اینکه خود امام (ره) بعنوان یک رهبر هدایتگر با توجه به تقوی، علم، سابقه خوب مبارزاتی از نفوذ شگفت‌انگیزی بر پیروان خود برخوردار بود یک اشاره و نگاه او برای حل مسأله‌ای کافی بود. و به تبع او مدیران مؤفق و متنقدی جهت هدایت انقلاب در مراحل خود انتخاب شدند نفوذ کلام امام علاوه بر امت اسلامی ایران بر اتباع دیگر کشورهای جهان نیز مؤثر بود، به هر حال این یک قاعده عمومی است، مدیران وقتی خود پاک، عالم به طور کلی وارسته و متخصص و اهل عمل باشند. بدون شک در دیگران نفوذ کلام خواهند داشت.

منابع انسانی خوب و کار آگاه خردمند و بطور کلی همه اقشار جامعه، به ویژه وجود جوانان نخبگان، مدیران لایق، اندیشمندان فرهیخته مهذب جامعه نقش مهمی در تحکیم و تداوم سرمایه‌ی اجتماعی هر کشوری را دارند یک رهبر و مدیر خوب در یک خانواده، مدرسه، کارگاه، کارخانه و در نهایت در یک کشور باعث رشد و شکوفایی آن می‌شود.

حضرت مولی الموحّدین امام علی (ع) می‌فرمایند: « أَلْمَلِكُ كَالنَّهْرِ الْعَظِيمِ تَسْتَمِدُّ مِنْهُ الْجَدَاوِلُ فَإِنْ كَانَ عَذْبًا عَزِيبًا وَإِنْ كَانَ مِلْحًا مِلْحَتَ (نهج البلاغه ۲۷۹/۲۰) .

فرمانروا رود بزرگ راماند که از روی جویبارها جریان یابد. اگر گوارا بود، آب شیرین گوارا در جویبارها روان شود و اگر شور و ناخالص باشد در جویبارها نیز آب شور جاری خواهد بود.

شه چو حوضی دان و هر سولوله‌ها وز همه آب روان چون گوله‌ها

چون که آب جمله از حوض است پاک هر یکی آبی دهد خوش ذوقناک
ور در آن حوض آب شور است و پلید هر یکی لوله همان آرد پدید

(میرزا محمد ، ۱۳۸۰: ۲۲۱ ، مثنوی مولوی ، ۱/۱۷۴) .

۱۴- تضاد و تضارب: تضاد و تضارب آرا در جامعه اگر مستقیماً از مؤلفه های سرمایه‌ی اجتماعی نباشد « از مقوم های آن می تواند باشد .

« تضاد می تواند باعث تقویت یک طرف یا چند طرف به ایجاد روابط شود و از طریق ابراز وجود ، اعتبار و عزت نفس آن را بالا برد . در نتیجه تضاد می تواند پیوندهای جدید بین تضاد به وجود آورد و ارتباط های موجود را افزایش دهد یا رابطه های جدید ایجاد کند ، در این صورت تضاد می تواند به جای مخرب بودن عاملی سازنده باشد (گیسن ، ۱۰۲ به نقل از کوزر ۱۹۶۵)

« هنر بزرگ سقراط این بود که با طرح پرسش های حتی بنیادی تر از پرسش های سرفسطائیان برآن چیره شد و از این راه به منزل گاه معنوی رسید که دست کم برای طرز تفکر آن عصر، بنیانی قابل اعتماد جلوه می کرد بعلاوه ، او دست کم به همان شدتی که دلبسته حقائق بود به طرح این پرسش علاقه داشت که چگونه افرادی می توانند با شیوه های متفاوت به حقائق یکسان بیندیشند (مانهایم ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۰۵) .
تعارض می تواند خلاقیت بیشتر و معرفی نوآوری و تغییر را ترویج دهد. (ماتانا، ۱۳۷۴، ص ۵۵، ترجمه شورینی)

در ایران اسلامی هم همه ی اقوام و پیروان مذاهب در کنار همدیگر با یک هدف مشترک - که همانا حفظ سرمایه عظیم اجتماعی دست آوردهای انقلاب اسلامی است - به خوبی زندگی می کنند و دسیسه ها و تفرقه افکن های دشمنان را ارجی نمی دهند .

بطور خلاصه در تعریفی که از سرمایه اجتماعی کرده‌اند- البته در بعد مثبت آن که ارزش والای انسانی را به همراه دارد - در متن و بطن مکتب اسلام نهادینه شده است که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌گردد .

۱- جمع شدن جامعه در گروه‌ها و مجموعه بزرگ اسلامی.

۲- ایجاد اعتماد عظیم بین گروه‌ها.

۳- همبستگی زایدالوصف.

۴- رعایت مصالح و منافع اجتماع مسلمین با حفظ ارزش‌های والای معنوی و انسانی.

۵- ایجاد سرمایه و حفظ با کسب و کار و کشاورزی و تجارت.

۶- ایجاد شبکه‌های عظیم مردمی و مسؤولیت دادن به انسان‌های نخبه و متعهد و مسؤول در راه حفظ منافع اسلامی.

۷- گسترش و توسعه حوزه سیاست و جامعه خود به اقصی نقاط جهان.

۸- رهایی انسان‌های ستمدیده که بصورت فردی پایکوب آمال زورمندان و قدرتمندان آن روزگار می‌شدند با پیوستن به شبکه و اجتماع عظیم اسلامی .

۹- ایجاد آرامش و امنیت در جامعه‌ی مسلمین و بطور کلی در جامعه‌ی جهانی و ترویج زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان با خود و با پیروان دیگر مذاهب اسلامی.

۱۰- افزایش سرمایه مسلمانان و بهبود زندگی آنان، البته در راستای حفظ حقوق دیگران.

۱۱- امتناع از هر نوع بی‌عدالتی و ظلم و ستم به هموعان خود و دیگران.

۱۲- بالا بردن شعور معرفت فردی و اجتماعی مسلمانان و جهانیان.

و موارد فراوان دیگر که در ظرفیت این مقال نمی‌گنجد، با احترام به همه نظریه‌پردازان و واضعان سرمایه‌ی اجتماعی به این نکته تأکید می‌ورزیم که این مفاهیم بطور عملی در مکتب اسلامی قرن‌ها پیش از آنها بوده است. بر دانشمندان و عالمان علوم اجتماعی و مدیریت و اقتصاد و سایر علوم مرتبط ماست که بیش از پیش دانشجویان، دانش‌پژوهان را با این معارف عظیم آشنا کنند.

پس در باورهای دینی ما «انسان» در کنار عبادت خداوند متعال و کارکرد فرعی استفاده از محیط، دیگر وظایف انسان شامل کار کردن، آموزش و یادگیری، تحقق عدالت، هدایت و اداره امور بر طبق قوانین خداوند متعال و عمل کردن در زمین به عنوان جانشین خداوند تبارک و تعالی است به عنوان مثال دین مبین اسلام انسان را به مهار همه‌ی منابع مادی و انسانی در جهت ارتقای پرهیزکاری، عدالت و صلح دعوت می‌کند که تحقق این موارد وظیفه عمده‌ی انسان را سهل می‌گرداند. پیشرفت مادی انسان نیز در این میان تشویق می‌شود اما نه به دلیل صرف خودش، بلکه برای ایجاد اجتماعی اصیل و درست که رستگاری وی را در این دنیا و آخرت هموار سازد. با توجه به ماهیت انسان تحقق چنین تصویری نه مدینه فاضله محسوب می‌شود و نه غیرممکن.

منابع مادی و انسانی در ارتقای پرهیزکاری، عدالت و صلح در واقع همان سرمایه اجتماعی است که اسلام به توسعه و به حفظ آن اهمیت خاصی داده است. (ال بورابی؛ ۱۳۸۰)

۱۵- دانایی: مکتب اسلام اهمیت بسزایی برای دانایی و دانش قائل است قرآن کریم مکرراً مردم را به دانش و آگاهی توصیه می‌کند می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹) آیا آن‌های که می‌دانند (عالمند) با آن‌های که نمی‌دانند (جاهل هستند) برابرند به این جهت اسلام برای عقل که منبع و سرچشمه دانایی است ارزشی والائی قائل است و در روایت آمده است: «مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ»^۱ یعنی عقل و شرع دو عنصر جدائی ناپذیرند در حالی که «لوتر آ» فیلسوف غربی می‌نویسد

^۱ - معجم المفهرس

^۲ - Luter

که : « انسان نمی‌تواند هم کتاب مقدس و هم عقل را بپذیرد ؛ زیرا این دو را با هم سازگاری نیست ». (دورانت ؛ ۴۴۱).

ماکس وبر، « عقلانیت را با دیوان سالاری یکی می‌داند و روند عقلانی شدن را با خود کامگی و تشخص زدایی و روزمرگی ستم بار یکی می‌داند در این زمینه عقلانیت را در مقابل آزادی فردی قرار می‌دهد ». (وبر ، ۱۳۸۴ ؛ ۶۰)

یکی از موفقیت‌های انقلاب اسلامی ترویج علوم و دانش در بین اقشار مردم بود، امروز جوانان با درخشش در علوم مختلف از قبیل ریاضی، کامپیوتر، فیزیک، شیمی، پزشکی، نانوتکنولوژی، مخابرات، هوا و فضا انرژی هسته ای گامهای بسیار مؤثری برداشته‌اند اما کافی نیست.

نخبه‌های ما هنوز بوسیله‌ی بعضی از کشورها جذب می‌شوند. ما واقعاً باید بیش از اینها به نخبگان علمی کشورمان برسیم، چون اینها از عوامل اصلی پیشرفت سرمایه اجتماعی کشور محسوب می‌شوند. قدرت دانایی از مهمترین عوامل پیشرفت هر کشوری است و این قدرت هم در وجود نخبگان و دانشمندان و عالمان علمی کشور خلاصه می‌شود.

الوین تافلر در کتاب «جایایی در قدرت» می‌نویسد : « قدرت دانایی تنها مربوط به علم و تکنولوژی نیست این چیزی است که ژاپن خیلی بهتر از ایالات متحده درک می‌کند، هم در شطرنج هم در جنگ درست مثل رقابت تجاری یا علمی، «دشمنت را بشناس»، هنوز اصل مهمی است و در اینجا نیز ژاپن به اندازه چندین سال نوری جلو است. ژاپن بطور قطع درباره‌ی ایالات متحده بیشتر اطلاعات دارد تا امریکا درباره‌ی ژاپن . . . ژاپنی‌ها سرتاسر امریکا از دره‌ی سیلیکان تا واشنگتن و وال استریت، و از هاوارد و ام ای تی تا استنفرد را زیر پا گذاشتند و از هزاران شرکت و اداره‌ی دولتی و آزمایشگاه و مدرسه و خانه دیدن کردند تا جایی که امکان داشت آنچه را به امریکا - نه تنها از نظر تجاری یا سیاسی، بلکه فرهنگی و روانشناختی و اجتماعی - اعتبار می‌بخشید آگاهانه آموختند این کار، به جای تمرین در جاسوسی صنعتی، بیشتر ابراز کنجکاوای عمیقی

بود درباره جهان خارج که در ذهن و روح ژاپنی حک شده بود و جستجویی بود برای مدلی که از آن پیروی کند، ژاپن پس از سیصد سال انزوا از بقیه‌ی سیاره‌ی زمین بعد از انقلاب میجی هجوم آورد تا جهلی را که بر او متحمل شده بود جبران کند. (تافلر، ۱۳۷۱؛ ۷۳۸-۷۳۸)

کشور ما هم با ضریب هوش بالائی که دارد می‌تواند این راه‌های ترقی را هرچه بیشتر طی کند، بشرط اینکه جلو بعضی از افراط و تفریط‌ها گرفته شود.

نخبگان و دانایان خود سرمایه اجتماعی هستند و هم مولد سرمایه اجتماعی هستند باید برای جذبشان راه چاره‌ای بیش از پیش اندیشید، با اینکه بنیاد نخبگان تشکیل شده است و کارهایی دارد انجام می‌شود، اما باز هم نیاز به برنامه‌ریزی بیشتری داریم. انشاءالله^۵

نتیجه گیری

بعضی از شاخصه‌های سرمایه اجتماعی با آن تعریفی که اندیشمندان و واضعان آن نموده اند در مکتب اسلام جاری است و به ابعاد مثبت آن از قبیل دانائی، اعتماد، تعاون هم بستگی رعایت مصالح اجتماعی، عدالت و... توصیه اکید شده است .

و این که بعضی از تئورسین های سرمایه اجتماعی معتقد به تقابل عکس دین و سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشند منطقی و فرضیه‌ای درست نمی‌تواند باشد و نمونه‌ی بارز آن انقلاب عظیم اسلامی است که نه تنها باعث افت سرمایه اجتماعی در کشور نشد بلکه باعث رشد و نضج آن در ایران اسلامی شد. پس با استفاده از احکام اسلامی و مقیّد بودن به آن‌ها و به کارگیری ابتکارات سالم تئورسین‌های اندیشمند و کنار گذاشتن ابعاد منفی احتمالی افکار آن‌ها می‌توان بیش از پیش در تولید و حفظ سرمایه اجتماعی گام‌های مؤثری برداشت.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه مرحوم محمد دشتی.
- ۳- استونزراب، ۱۳۷۹، **متفکران بزرگ جامعه شناسی**، ترجمه‌ی مهرداد میردامادی، تهران؛ نشر مرکز، چاپ اول.
- ۴- ال بورابی محمد، ۱۳۸۰، **مدیریت و اداره امور دولتی در اسلام (نگرش اسلامی بر توسعه اداری)** ترجمه آقایان: دکتر عبدالله جاسبی، دکتر نیکومرام، دکتر محمدرضا ربیعی، فروغ رستمیان، نشر مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۵- بورل، گیسن، مورگان، گارت، ۱۳۸۳، **نظریه کلان و جامعه شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان عناصر جامعه شناختی حیات سازمانی**، ترجمه محمد تقی نوروزی تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- ۶- بیکر، واین، ۱۳۸۲، **مدیریت و سرمایه اجتماعی**، ترجمه دکتر سید مهدی الوانی و دکتر محمد رضا ربیعی، تهران: انتشارات، زمان مدیریت صنعتی سال ۱۳۸۲.
- ۷- تاجبخش کیان، ۱۳۸۴، **سرمایه اجتماعی**، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه.
- ۸- تافلر، الوین، ۱۳۷۱، **جابجائی در قدرت**، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران؛ نشر مترجم.
- ۹- تافلر، الوین، ۱۳۷۱، **موج سوم** ترجمه شهیندخت خوارزمی تهران: نشر مترجم، چاپ هفتم.
- ۱۰- جان فیلد، **سرمایه اجتماعی**، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، انتشارات کویر.

- ۱۱- دورانت، ویل، ۱۳۷۳، **تاریخ تمدن (اصلاح دین)** ترجمه فریدون بدره، سهیل آذری، پرویز مرزبان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- ۱۲- لنسکی گرهارد، لنسکی جین، ۱۳۶۹، **سیر جوامع بشری**، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- ۱۳- ماتتانا، پرفسور پاتریک، ۱۳۷۴، **فرهنگ فراگیری دانش مدیریت**، ترجمه‌ی دکتر سهراب خلیلی شورینی، تهران: انتشارات یادواره‌ی کتاب، چاپ اول.
- ۱۴- مانهایم، کارل، ۱۳۸۰، **ایدئولوژی و اتوپیا**، مقدمه‌ی ای بر جامعه‌شناسی شناخت ترجمه‌ی فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات سمت، سال ۱۳۸۰.
- ۱۵- میرزا محمد، دکتر علی رضا، ۱۳۸۰، **دربارگاه آفتاب (نهج البلاغه در ادب فارسی)** تهران: انتشارات: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- ۱۶- نولان، پاتریک. لنسکی، گرهارد، ۱۳۸۰، **جامعه‌های انسانی (مقدمه‌ی ای بر جامعه‌شناسی کلان)** ترجمه ناصر موفقیان، تهران، انتشارات نی، چاپ اول.
- ۱۷- وبر، ماکس، ۱۳۸۴، **دین، قدرت، جامعه**، ترجمه‌ی احمد تدّین، تهران: انتشارات موس، چاپ دوم.